

بررسی ضرورت منطقه‌گرایی انتقادی در توسعه معماری امروزی

تینا تجدد*، سید یحیی اسلامی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۳/۱۴



چکیده

معماری ایران که در دوره معاصر تحت غرب زدگی و انحطاط، اصول خود را که یکی از مکاتب مهم معماری جهان محسوب می‌گردد، فراموش کرده است. همچنین عدم توجه به فرهنگ که سال‌ها تلاش پیشینیان بوده است، مسئله ایست که گریبانگیر وضعیت فعلی معماری معاصر ایران است. این پژوهش به بررسی ضرورت منطقه‌گرایی انتقادی در راستای توسعه معماری ایران می‌پردازد. هدف اصلی؛ اولویت بندی اصول معماری ایران تحت شاخصه‌های منطقه‌گرایی انتقادی است. ابتدا به بیان مسئله و هدف پژوهش سپس به بیان مفاهیم نظری ادبیات پژوهش در قالب پیشینه پژوهشی پرداخته شده است. از نرم افزار SPSS در روش تحقیق استفاده شده است. در آخر، اصول معماری ایران از رتبه یک به آخر؛ بترتیب عبارت است از: خودبسندگی، درون‌گرایی، مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش. در بخش نتیجه با رتبه بندی اصول و ارزیابی رویکرد منطقه‌گرایی انتقادی مشخص گردید؛ خودبسندگی و درون‌گرایی بیشترین تأثیر و نیارش کمترین تأثیر را داشتند. این بدان معناست که دخالت منطقه‌گرایی انتقادی در بافت‌های تاریخی کمترین تأثیر و مانع از دیده منطقه‌گرایی انتقادی بوده و می‌توان با حفظ اصول فرهنگی و منطقه‌ای جهانی داشت بدون اینکه سنت را به فراموشی سپرد.

واژگان کلیدی

معماری، منطقه‌گرایی، منطقه‌گرایی انتقادی، معماری ایران، اصالت.

tajaddoodti@gmail.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

** استادیار دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد تینا تجدد با عنوان "طراحی خانه فرهنگ اتحادیه با رویکرد منطقه‌گرایی انتقادی" با راهنمایی دکتر "سید یحیی اسلامی" در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب است.

مقدمه

معماری مقوله ای فرهنگی است و احتمالاً بی ارتباط با گذشته نیست (کشاورز و کمالی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۵). در نتیجه آنچه یک معماری را برای ساکنین بیگانه می کند، خدشه دار شدن اصالت فرهنگی و بومی آن است که طی سالیان متمادی شکل گرفته و به واسطه آن، مردم آن را متعلق به خود می دانند. به نظر می رسد ساخت و سازهای دهه های اخیر بدون در نظر گرفتن ارزش های فرهنگی، چهره شهر را برای ساکنین بیگانه نموده است. این در حالی است که، در سال های گذشته روند آرام تغییر شکل و نوسازی شهرهای تاریخی گذشته را عمدتاً معیارهای فرهنگی تعیین می کردند. این معیارها در طی زمان شکل می گرفتند و ابزارهای فنی اندک آن دوران تأثیر ناچیزی بر این روند داشتند (کشاورز و کمالی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۵).

معماری ایران که در دوره معاصر تحت غرب زدگی و انحطاط، اصول خود را که یکی از مکاتب مهم معماری جهان محسوب می گردد فراموش کرده است و همچنین دانشکده های معماری تحت تأثیر معماری های غربی بدون توجه به اصالت و ساختار ماهیت مکاتب، تلاش به تقلید صوری و سطحی نموده اند که موجب شده که معماری معاصر ایران حرفی برای گفتن نداشته باشد و همچنین عدم توجه به زمینه و بوم و فرهنگ که سال ها تلاش پیشینیان و اعتقادات بوده است؛ مسئله ایست که گریبانگیر وضعیت فعلی معماری معاصر ایران است و این همان نقد معماری پست مدرن به معماری مدرن بود (اقدامی و قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۲).

اما امروزه با توجه به فناوری های متنوع ساخت و فرهنگ محیطی منطقه که بنا در آن طراحی می شود، کمرنگ تر شده است و ساختمان ها با اشکال متنوع و بدون در نظر گرفتن بافت پیرامونی، از زمین سر بیرون می آورند. به طوری که نمی توان رابطه معنی داری را مابین ساختمان های جدید و بناهای با ارزش قدیمی و معماری قدیمی آن منطقه برقرار نمود (اقدامی و قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۲). در نتیجه این معنا افزایش می یابد که احساس تعلق به ساختمان های جدید چندان به چشم نمی خورد. از این رو، برای ارتقا و حفظ فرهنگ و هویت مردم یک منطقه، می بایست بدنبال راهکاری در معماری باشیم.

نگاه جهانی به اعتقادات محلی، معماری را صرف کالبد و عملکرد بیان می داشت (Tzonis, 1981: 164). در معماری علاوه بر اینکه نادیده گرفتن ملاحظات اقلیمی و فرهنگی محیط در قالب عدم توجه به مصالح بوم آورد و شیوه های ساخت محلی می تواند منجر به اتلاف انرژی های تجدید ناپذیر و مشکلات زیست محیطی گردد، می تواند زمینه ساز عدم مقبولیت قرار گرفتن بنا توسط جامعه شده و در مدت زمان منجر به تغییر شیوه زندگی در جامعه که سختی با فرهنگ ندارد، گردد (Tzonis, 1981: 164).

این بدان معناست که؛ چنانچه بنایی با ملاحظات جهانی ساخته شود ممکن است موجب عدم پذیرش توسط جامعه و عدم هماهنگی و همساختی با الگو های جاری فعالیت و هنجار های جامعه و در نهایت ترک بنا توسط جامعه گردد. که گاهاً در سطح بالاتر منجر به تخریب حتی قبل از اتمام عمر مفید بنا گردد که این موجب اتلاف انرژی و هزینه می گردد که معمارانی چون آلتو، لوی کان و رایت در ابتدای مکتب مدرن به این موضوع توجه کردند (هلد، ۱۳۸۲: ۱۶). ولی واقعیت امر فراتر از این مسئله است نگرش مدرن دارای اشکالات ساختاری بوده و این مسئله تا حدودی به ماهیت جهانی آن باز می گردد (هلد، ۱۳۸۲: ۱۷).

منطقه گرایی انتقادی^۱ به هیچ وجه به منظور احیاء معماری تاریخی نیست بلکه حتی به نو بودن و فن آوری تأکید شده است (Tzonis, 1981: 164). در این نگرش معماری با حفظ نگرش نوآورانه توجه به مسائل اقلیمی و فرهنگی مورد توجه قرار می گیرد. الکساندر زونیس و لیان لفور در مقاله ای ادعا می کنند؛ نیاز نیست که فرم ها از محیط اقتباس گشته و عیناً به همان شکل در اثر معماری انعکاس یابند، بلکه این فرم های آشنا می توانند به شکلی نوین و حتی ناآشنا در نگاه اول در بنا ظاهر شوند. هدف از بین بردن ماهیت لامکان سبک بین المللی^۲ است (Tzonis, 1981: 164).

گسترده گی و سرعت ارتباطات در دهه های اخیر نوعی آمیختگی و آمیزش فرهنگی را دامن زده است. فرهنگ ها بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شده و معادلات دو قطبی گذشته که مرزهای فرهنگی را مشخص و از هم جدا می کرد؛ مانند ما و دیگران، خودی و غیر خودی، شمال و جنوب، به طور عمیقی رنگ باخته اند. از سوی دیگر، رویکرد منطقه گرایی در معماری بر حفظ ویژگی ها و خصوصیات خاص مکان تأکید دارد و برای اصالت خاص منطقه در مقابل خصوصیات عام جهانی اولویت قائل است (Tzonis, 1981: 164).

در این مقاله ابتدا ادبیات مربوط به منطقه گرایی را بررسی می کنیم؛ سپس به منطقه گرایی انتقادی می پردازیم. اصول رایج شناسایی شده در این پژوهش به کمک روش کتابخانه ای و پرسش نامه استخراج و به روش کولموگروف اسمیرنوف و ضریب هبستگی پیرسون و در آخر از آزمون فریدمن برای رتبه بندی متغیرهای رابطه دار با منطقه گرایی انتقادی، که همه مربوط به نرم افزار^۳ SPSS هستند؛ استفاده می گردد.

هدف پژوهش، اولویت بندی اصول معماری ایران تحت شاخصه‌های منطقه‌گرایی انتقادی است. در این میان سؤال اصلی آن است که چگونه می‌توان پلی میان حفظ ارزش‌های گذشته و در عین حال معماری جدید و رو به فردا دست یافت؟ انعطاف‌پذیری ساختار نظری منطقه‌گرایی، می‌تواند متناسب با تغییر شرایط اجتماعی و فرهنگی، رابطه‌ی معماری و بستر فرهنگی را بازتعریف نماید.

روش تحقیق

متدولوژی تحقیق در مقاله حاضر از نقطه نظر هدف، کاربردی بوده، از لحاظ نوع تجزیه و تحلیل یک پژوهش کمی و از نظر جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، توصیفی و از شاخه پیمایشی دلفی می‌باشد؛ که هدف آن کسب اتفاق نظر از عموم و مخاطبین این پژوهش حول موضوع مقاله است. در این مقاله بدنبال مطالعه و بررسی رابطه منطقه‌گرایی انتقادی با اصول باززنده‌سازی معماری ایران در بافت‌های تاریخی در منطقه ۱۲ تهران بعنوان مطالعه موردی می‌باشیم.

سپس پرسشنامه‌ای ساختارمند، در مورد ارزیابی شاخصه‌های معماری اصیل در کنار ویژگی‌های منطقه‌گرایی انتقادی تنظیم گردید که برای عملیاتی کردن شاخص‌ها برای پاسخ‌ها نمره از ۱-۵ تعیین گردید. سپس نظر عموم و مخاطبین این پژوهش در مورد انتخاب نمره از فضای برتر با رویکرد احساس فضایی و کیفیت فضایی و احساس تعلق به مکان با اصالت گردآوری گردید و نتایج حاصل از انتخاب فضای برتر، نشان از همبستگی بین پارامترهای دو اصول بود و در نهایت اصول منطقه‌گرایی انتقادی از جهت میزان برخورداری فضای برتر از آن اصول مورد استناد قرار گرفت و رتبه بندی گردید.

پیشینه تحقیق

مقاله «منطقه‌گرایی انتقادی» از منتقد بنام معماری کنت فرامپتون در سال ۱۹۸۳، عملاً تبلور ترکیب تمامی این لایه‌ها با یکدیگر و گذر آن‌ها از حوزه برنامه‌ریزی به معماری است. این مقاله پاسخی است به یکنواختی مدرنیته در مواجهه با تنوع اقلیمی و اجتماعی، روح مشترک آثار معماران نزدیک به این گرایش، پاسخ به شرایط محلی بر پایه سنت‌های بومی با نیم‌نگاهی به مدرنیته است (Frampton, 1983). پالمر در سال ۱۹۹۱، در مقاله‌ای درباره نظریه‌های کلاسیک منطقه‌گرایی چنین بیان نمود، منطقه بیشتر یک مفهوم جغرافیایی است و برحسب عامل جغرافیایی سرزمینی و طبیعی تعریف می‌شود. به طوریکه جغرافیا یا زیست‌بوم تنها مخرج مشترکی است که کشورها یا مناطق فرعی را به هم پیوند می‌زند (Palmer, 1991).

هورل، در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۵ بیان کرد؛ منطقه‌ای شدن بعنوان رشد همگرایی اجتماعی در یک منطقه شناخته شده است که به شکل گیری اصالت منطقه کمک می‌نماید. در این راستا نظریه‌های معناگرا بر خودآگاهی و اصالت منطقه‌ای، احساس مشترک تعلق داشتن به یک اجتماع منطقه‌ای و آنچه که منطقه‌گرایی شناختی نامیده می‌شوند، تأکید می‌کنند (Hurrell, 1995).

برگر در سال ۱۹۹۶، در مقاله‌ای درباره مرزهای معماری چنین بیان نمود؛ با توجه به تعریف نوین سرزمین بدون مرزهای جغرافیایی، تأکید بر عوامل غیرمادی در نظریه‌های منطقه‌گرایی افزایش و گسترش یافت. به طوریکه نظریه‌های معناگرا در حوزه مطالعات منطقه‌ای و منطقه‌گرایی ظهور کردند. در این نظریه‌ها به جای معیارهای عینی، جغرافیا و وابستگی متقابل مادی، بر ایده و انگاره‌های شناختی و ایستاری ناشی از فرآیند جامعه‌پذیری منطقه‌سازان و برسازی اجتماعی منطقه تأکید و تمرکز می‌شود (Berger, 1996).

میلر در سال ۲۰۰۲ بیان کرد؛ نظریه پردازان حکومت کلان شهری استدلال می‌کنند که باید بین نوع سیستم سازمانی و حکومتی یک شهر - منطقه با کلیت ارگانیک و قلمرو عملکردی آن انطباق وجود داشته باشد. عدم انطباق قلمرو سازمانی حکومتی محلی با قلمرو عملکردی شهر - منطقه‌ها را می‌توان عمده‌ترین چالش در اداره و حاکمیت این مناطق دانست (Miller, 2002).

زونیس و لفور در سال ۲۰۰۳ در مقاله‌ای بیان نمودند؛ وظیفه منطقه‌گرایی تجدید نظر درباره معماری با توجه به مفهوم منطقه است. این موضع به پیوندها و روابط انسانی، تعادل اکوسیستم و ماسیل حواشی زیست‌محیطی مربوط می‌شود (زونیس، لفور، ۲۰۰۳). مطابق نظر الکساندر زونیس و لیان لفور، منطقه‌گرایی انتقادی به طور مستقیم از مفهوم "به جای عناصر رایج می‌توان از چهار چوب‌های ساده، اما در راه‌های ناآشنا استفاده نمود"، استخراج می‌شود (Tzonis, Lefavre, 2003).

لارنس در سال ۲۰۰۳ درباره منطقه‌گرایی گفت؛ منطقه‌گرایی به جای اینکه مقدمه جهانی شدن باشد و نقش پلی بین ملی‌گرایی و جهان‌گرایی را ایفا کند، خود راهبرد و وضعیت مستقلی است که بین این دو قرار دارد و از هر دو متمایز و متفاوت است (Lawrence, 2003).

نسبیت در سال ۲۰۰۷ نظریه‌های پسامدرن در معماری بیان نمود؛ منطقه‌گرایی در پی تخریب مدرنیسم جهانی بوده و از پسامدرنیسم به جهت تقلیل معماری در نشانه‌هایی از ارتباط طراحی ساختمان با محیط بومی انتقاد می‌نماید (نسبیت، ۲۰۰۷).

شولتز در سال ۲۰۰۷ در «مقاله ای تحت عنوان گزینه ای از معماری: معنا و مکان» بیان نمود؛ از زمان های دیرین ویژگی منطقه گرایی به عنوان حال و هوا شناخته شده است و ساختمان های تاریخی، گرچه به سبکی عام تعلق داشته اند اما معمولاً دارای حال و هوای محلی مشخصی بودند. بنابراین معماری به انسان کمک می کرد که خود را با روحیه ی مکان یکی بداند و به او حسی از تعلق و ایمنی دست دهد (نوربرگ شولتز، ۲۰۰۷). شایان در سال ۲۰۰۸ در مقاله «معماری در زمینه ی بیگانه»؛ منطقه گرایی یکی از رویکردهای معماری است که در تعامل با فرهنگ و بستر فرهنگی قرار داشته و بر لزوم توجه به ویژگی های فرهنگی، جغرافیایی، اقلیمی یک منطقه خاص تأکید می کند (شایان، ۲۰۰۸). ابل در سال ۲۰۰۸ در کتاب معماری و هویت بیان کرد که، منطقه گرایی تلاشی در جهت بازگرداندن آن چیزی به معماری است که مدرنیسم از معماری حذف کرده است. از طرفی تلاش برای حفظ، تداوم و بین اشکال ساختمانی فعلی با طراحی نوین از گذشته در مکانی فرضی است (ابل، ۲۰۰۸). حسینی در سال ۲۰۱۰ در مقاله تبیین و تدوین گرایش های معماری معاصر ایران با مطالعه معماری شهر تهران چنین بیان کرد؛ منطقه در اصل و ریشه خود به معنای خط، جهت و نیز ناحیه و بخش است. مشخصه منطقه داشتن خصلت و خصوصیتی است مبتنی بر مکان و اساساً واژه ای دال بر جغرافیا است (حسینی، ۲۰۱۰).

ادبیات نظری پژوهش

تاریخچه پیدایش منطقه گرایی

قدمت آگاهی از معماری منطقه ای به عنوان شاخصه ای برای اصالت گروهی خاص به یونان باستان برمی گردد. یونانی ها در متن سیاست کنترل و رقابت شهر رقابت در شهر ها و مستعمرات خود از عوامل معماری برای نمایش اصالت گروه حاضر در یک منطقه استفاده کردند. معماری منطقه ای با ابتدایی ترین مفهوم آن یعنی توجه به شرایط و ویژگی های محلی، قدمتی به اندازه تاریخ تمدن بشر دارد و می توان ریشه های آن را در مکتوبات یونان باستان جستجو کرد؛ مشخص ترین مرجع طراحی منطقه گرا، «ده کتاب معماری» ویتروویوس است (Tzonis, 2003:11). تنوع معماری از دیدگاه ویتروویوس نتیجه ویژگی های فیزیکی، ذهنی و رفتاری مردم هستند (Egger, 2002:228). همانطور که ویتروویوس می گوید: «اگر قرار است خانه های شخصی درست طراحی شوند، باید در ابتدا به سرزمین ها و اقلیم هایی که خانه ها در آن ساخته می شوند توجه کنیم» (ویتروویوس، ۱۳۹۱: ۲۲۳).

عملکردگرایی مدرن به علت «وجه معنا شناختی گریز ناپذیری» که معماری واجد آن است، در ایجاد معماری «ماشین وار فاقد معنا» شکست خورد (نسبیت، ۱۳۸۹: ۱۳۵). مسئله اصالت، از زمان مدرنیته با عقل گرایی محض و انسان مداری مطرح شد. در این دیدگاه به مردم با فرهنگ های متفاوت به عنوان بشریت و یک کل برخورد گشت و نیازهای فرهنگی و اجتماعی نادیده گرفته شد (مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۷). سبک پست مدرن سعی بر این دارد که باز دست به سوی نقاط اتکاء باقی مانده در زمینه های جامعه شناسی، روان شناسی و ایدئولوژی دراز کند و به آن ها قدرت بیانی در قالب فرم بدهد (گروتز، ۱۳۹۰: ۵۲۱).

از مهم ترین مسائلی که در معماری پست مدرن^۴ عنوان شد، توجه به منطقه، زمینه و بستر معماری می باشد. از دست رفتن خاصیت بومی از معماران مدرن، مورد انتقاد معماران انگلیسی قرار گرفت. در سمپوزیوم هنری سال ۱۹۴۸ به محدودیت های مدرنیسم از دیدگاه بنیان نمادین اشاره شد. در این سمپوزیوم^۵ «هنری راسل هیچکاک^۶» این مسئله را عنوان کرد که آن قابلیت را که معماری سنتی در بیان یادواره ای دارد، در معماری مدرن نمی توان یافت (جودت، ۱۳۸۴: ۸۱). بدین ترتیب بار دیگر نظریات منطقه گرایی جای خود را در معماری پیدا کرد. به زعم منطقه گرایان، توجه به مکان البته نه از دیدگاه معنی لغوی به نشانه جا، بلکه به عنوان مشخص کننده اقلیم، فرهنگ و ... از یک منطقه خاص است، از الزامات معماری است (جودت، ۱۳۸۴: ۸۱). ویژگی منطقه ای خاصیت هر معماری معتبر است. از آنجا که تمام ساختمان ها بخشی از اینجای معین را شکل می دهند، نمی توانند همه جا مانند هم باشند، بلکه باید ویژگی های خاص مکان معین را در بر داشته باشند^۷ (شولتز، ۱۳۹۱: ۱۴۷). بدین ترتیب منطقه آن معماری هستند که با در نظر گرفتن پیشرفت های صنعت ساختمان سازی و دستاوردهای جدید در زمینه معماری، اصالت معماری هر منطقه را به زبانی نو و مدرن^۸ بازخوانی کنند (Kostof, 1990: 90).

مفهوم واژه منطقه

منطقه^۸ در لغت نامه دهخدا به معنای بخشی از کره زمین که مختصات مخصوص خود را دارد، تعریف شده است. اما در حقیقت این واژه، تعریف مبهمی دارد و ممکن است به توزیع نژادی و قومی گروه ها، ترکیب های متعارف جغرافیایی و اقلیمی و یا به محدوده های سیاسی رجوع کند. با این تعاریف، این تصور که میان منطقه و ملت و بین منطقه و مذهب نسبت مستقیمی وجود دارد؛ به ندرت مد نظر قرار می گیرد (شایان و کامل نیا، ۱۳۸۷: ۱۱).

منطقه در اصل و ریشه خود به معنای خط، جهت و نیز ناحیه و بخش است. مشخصه منطقه داشتن خصلت و خصوصیتی است مبتنی بر مکان و اساساً واژه ای دال بر جغرافیا است (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹). این واژه ممکن است به توزیع نژادی و قومی گروه‌ها، ترکیب‌های متعارف جغرافیایی و اقلیمی و یا به محدوده‌های سیاسی رجوع کند (شایان و کامل نیا، ۱۳۸۷: ۱۰). "لوییس مامفورد" از منطقه چنین تعبیر می‌کند که ما بین قاره و یک روستا فضایی وجود دارد که گاهی به مثابه دولتی وسیع و دیگر گاه بسیار کوچک است و آن منطقه انسانی است" (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۹: ۱۷).

منطقه‌گرایی

تعریف منطقه‌گرایی به تبع تعدد و سیر تحول در انواع رویکردهای این نظریه، طیفی وسیع و گاه متضاد را در برمی‌گیرد. در نگاه کلی می‌توان گفت که توجه به ویژگی‌های زیست بوم، مسائل اقلیمی، شرایط فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های محلی از نکات مورد توجه منطقه‌گرایی به حساب می‌آیند. منطقه‌گرایی نظریه ای است که از مقاومت در برابر صورت‌های مختلفی از برتری جویی، جهانی سازی و یا ساختارهای استاندارد شده که تفاوت‌های بومی را کاهش می‌دهند، حمایت می‌کند (مهدوی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۱۴).

منطقه‌گرایی، یکی از رویکردهای معماری است که در تعامل با فرهنگ و بستر فرهنگی قرار داشته و بر لزوم توجه به ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی، اقلیمی یک منطقه خاص تأکید می‌کند (شایان و کامل نیا، ۱۳۸۷: ۱۰). این خصوصیات در نهایت، به معماری "حال و هوا" بخشیده و حس مکان را در مواجهه با فضاها تقویت می‌کنند (شایان و کامل نیا، ۱۳۸۷: ۱۰).

در عرصه معماری، منطقه‌گرایی را در گسترده‌ترین معنی آن می‌توان آموزه ای دانست که خواستار باز آمدن، باز آوردن است. منطقه‌گرایی در مقابله با هجوم یکسان سازی فرهنگی، علاوه بر انطباق با شرایط زیست بوم و اقلیمی، و تأکید بر طراحی با تمرکز بر نیازها و قابلیت‌های محلی، توجه خود را بر استفاده از نقش‌ها، نشانه‌ها، اجزاء و عناصری از معماری با ارزش فرهنگی و تاریخی معین معطوف داشت (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸). طرفداران این نظریه عقیده دارند که معماری باید انعکاس دهنده ویژگی‌های خودی بوده و مستقل از دیدگاه احساسی تعریف منطقه، سنت و تاریخ در یک کشور باشد (میر مقتدایی، ۱۳۸۳: ۳۶).

بررسی منطقه‌گرایی با معرفی دو مفهوم امکان پذیر است: یکی «خصوصیات جامعه ای» و دیگری «امتزاج». خصوصیات جامعه ای، معرف ویژگی‌های جغرافیایی، آب و هوایی و شکل شناسی محل مزبور و رویه‌های اجتماعی هستند که به محلی خاص «حس مکان» و به یک محیط «ویژگی خاصی» می‌بخشد. امتزاج اشاره به روندی دارد که از خلال آن تجلی فرهنگ هر جامعه، با فرهنگ‌های موجود در منطقه ای خاص تأثیرات متقابل دارد و به این ترتیب این فرهنگ غنی شده و ترکیب‌های تازه ای را پدید می‌آورد (سراج الدین، ۱۳۷۶: ۵۹).

جدول ۱- دیدگاه نظریه پردازان پیرامون منطقه‌گرایی، منبع: نگارندگان

اندیشمند	دیدگاه و اندیشه
هریس (Harris)	منطقه‌گرایی علاوه بر تأکید بر وجود ویژگی‌ها و تفاوت‌ها، به فرهنگ جهانی نیز نظر مثبت دارد. معماری منطقه‌گرا؛ گوناگونی، آزادی و بسط یافتگی را تصویر می‌کند.
بری (Beri)	منطقه‌گرایی مبتنی بر مدارا و ملی‌گرایی مبتنی بر غرور است.
نیوکام (Newcom)	اصلی‌ترین تفاوت منطقه‌گرایی و قوم‌گرایی در نگاه به آینده است.
مامفورد (Mamford)	منطقه‌گرایان سعی دارند ویژگی‌های منطقه ای را با مؤلفه‌های جهانی نظیر فناوری و اندیشه‌های انتقادی پیوند زنند، منطقه‌گرایی چالشی در برابر ملی‌گرایان و سلطه دولت‌های ملی است.
کنت فرامپتون Kenneth Frampton	معرفی منطقه‌گرایی به عنوان یک حد واسط بالقوه و غیرقابل بازگشت بین دو موقعیت سنت پست مدرنیست؛ یعنی نوگرایان و آوانگاردها (دیبا، ۱۳۷۹).
ویلیام کرتیس William Curtis	منطقه‌گرایی اصیل (مدرن) توجه به مکان و فناوری، ترکیب آموزه‌های مدرن با سنت محلی.
کن یینگ Ken Yung	برقراری پلی بین فناوری و فرهنگ (از طریق بیان ترکیب بندی سازه‌ها، زیبایی‌شناسی، سازمان بنا و جمع بندی فنی و مصالح به کار رفته در زمان و مکان معین).
گیدین (Gidion)	منطقه‌گرایی جدید: رویکردی خلاق به جای رویکرد رجعت‌گرا، حفاظت خلاق به جای تقلید یا حفاظت ایستا.
الکساندر زونیس Alexander Zounis	هدف منطقه‌گرایی، حفظ تنوع و تفاوت در عین سود بردن از مزایای جهانی است. منطقه‌گرایی انتقادی: معماری باید معنا را برانگیزد، نه احساسات و هیجانات را.
شولتز (Sholtz)	بخشیدن حال و هوا به معماری و تقویت حس مکان (شولتز، ۱۳۸۲).
اوزکان (Ozkan)	آنچه مورد مخالفت معماران منطقه‌گرا واقع شد مدرنیسم نیست؛ بلکه گرایش به سبک بین‌المللی است.

تفاوت‌ها بین پیرامون مفهوم منطقه‌گرایی

این رویکرد، دارای جایگاهی ویژه و سابقه ای دیرینه در سیراندیشه های معماری است. توجه به این ارزش ها در دوره های مختلف تاریخ معماری با افراط و تفریط هایی همراه بوده و با اهداف مختلفی دنبال شده است که گاهی به عنوان ابزاری برای برتری جویی و تثبیت اندیشه های تعصب گرایانه و ملی گرایی افراطی به کار رفته گاه به منظور تعدیل پیامدهای منفی دوره مدرن و در سال های اخیر در راستای مواجهه با پدیده جهانی شدن و یکسانی محیط مورد توجه قرار گرفته است (بازیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰).

منطقه گرایی، در زمان حاضر، می تواند بر جنبه های انعطاف پذیر و بازآفرینی خویش تأکید کرده و منطقه گرایی در واقع این نیست که از عناصر محلی قابل دسترسی استفاده کرد یا از شکل ساده ساختمان دیگری که متعلق به اجداد و نیاکان ماست، تقلید نمود، بلکه چیزی است که در جهت بهبودی قدم برمی دارد (سراج الدین، ۱۳۷۶: ۵۶). به تعبیر دیگر، مسئله اساسی امروز ما، توجه همزمان به، زندگی مشترک بین المللی و ویژگی های خاص محل است (Lang, 1997: 2).

رویکرد منطقه گرایی

رویکرد اصلی منطقه گرایی آشتی دادن تأثیرات تمدن جهانی و خصوصیات و مشخصه های ویژه مکانی است. به عبارت دیگر از آنجا که انسان ها در عین تملک فرهنگ منطقه ای وارث و به وجود آورنده فرهنگی جهانی نیز هستند باید شناختی از تعامل آن دو به دست آورند (Frampton, 2000: 169). «منطقه گرایی رویکردی است در طراحی، که برای اصالت خاص منطقه در مقابل خصوصیات عام جهانی اولویت قائل است» (Tzonis, 2003: 10). اما این امر مانع پذیرش تأثیرات جهانی نیست.

منطقه گرایی به عنوان رویکردی که ردپای آن حتی در اقدامات سیاسی و مدنی یونان، روم و ایران باستان نیز قابل شناسایی است. از نیمه دوم قرن ۱۸ بود که با اقبال زیادی در حوزه معماری و شهرسازی رو به رو گشت و توجه بسیاری از نظریه پردازان و معماران را به خود جلب نمود؛ چرا که در این دوران تحت تأثیر نگرش رمانتیک حاکم، آرمان هایی همچون حفظ زبان و هنر فولکلور^۱ و بازگشت به ریشه ها رواج یافته و اصالت ملی به ابزاری جهت مقاومت دُول اروپایی در مقابل قدرت ماهر فرهنگی، یعنی فرانسه بدل گشته بود. عاملی که سبب می شد حفظ ویژگی های منطقه ای و بومی معماری در سرزمین پیش از پیش مورد توجه قرار گیرد (حسینی، ۱۳۸۹: ۲۱).

منطقه ای شدن، موضوعی فراتر از سبک گرایی و تزئینات است. منطقه گرایی اصیل به حرکت هایی اشاره می کند که بازتولید غیرمسئولانه بر اساس دستورالعمل های بین المللی را نپذیرفتند، و در جستجوی تداوم سنت های بومی هستند. شکی نیست که این حرکت ها، بازتابی از روحیه استقلال طلبی فزاینده در کشورهای جهان سوم پس از دوران استعمار است و چه بسا به عکس العمل فراگیرتری بر ضد الگوهای ساده انگارانه مدرنیسم مبدل شده است. در کنار واژه مکان که پیشتر به آن اشاره شد، منطقه گرایی نسبت به فناوری نیز توجه دارد (فروتن و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۷). در این نگرش معمار و طراحان شهری یا حتی منظر، عوامل و فاکتور های زمینه را به دو دسته ی، عوامل اصلی و عوامل فرعی تقسیم می کنند، که خود تابع فاکتورهایی مانند موضوع طرح و زمینه طرح می باشد؛ میزان تأثیرگذاری آن ها تفاوت دارد. در این دیدگاه، استمرار یا تداوم زمانی در اتصال گذشته با آینده نقش دارد. در این حالت به جای باور داشتن و پذیرفتن انقطاع تاریخی، گذشته آستانه ای برای ورود به آینده تلقی می شود. بهره گیری از اصول طراحی گذشته و ترکیب آن با اصول طراحی نوین، امکان توفیق این پیوند را میسر می سازد. در این شیوهی نگرش، نوآوری لزوماً نفی گذشته نیست، بلکه تکمیل گذشته است (تولایی، ۱۳۸۶: ۱۸۳).

جدول ۲- ویژگی های معماری منطقه گرا، منبع: نگارندگان

۱.	همساز شدن بناهای با ساختمان های پیرامون.
۲.	خرد کردن بناهای عظیم به قطعات ریز تر برای حفظ مقیاس انسانی.
۳.	استفاده از مصالح بومی سایت.
۴.	توجه به ویژگی های خاص هر مکان در کنار الزامات طراحی.
۵.	ریشه داشتن فرم بنا در سنت های موجود در سایت.
۶.	معماری در جست و جوی اصالت.
۷.	مبارزه جهت ابقاء سنت ها و ویژگی های فرهنگی ساکنان منطقه.
۸.	افزایش حسن تعلق به مکان با استفاده از الگوها و سمبل های بومی.
۹.	واسطه گری میان تمدن جهانی و بومی و محلی.
۱۰.	حفظ و ایجاد تداوم بین اشکال ساختمانی حال و گذشته.

در چنین دیدگاهی بنا به مثابه عنصری تعاملی، پیوند دهنده بناهای متفاوت به لحاظ تاریخی و کالبدی است و از تضاد شکلی معماری دوره‌های مختلف می‌کاهد. چنین طراحی وحدت بخشی، قادر خواهد بود همه اجزا را به گونه‌ای به هم پیوند دهد؛ که بیننده شکافی ناگهانی میان ساخت و ساز قدیم و جدید را نبیند. بنابراین زمان به خودی خود عامل انسجام و گسیختگی نیست و می‌توان از آن برای رسیدن به اهداف گوناگون در طراحی کالبدی- فضایی استفاده کرد و نوآوری در طراحی را با حفظ استمرار زمانی در تناقض نمی‌بیند (تولایی، ۱۳۸۶: ۱۸۴).

منطقه‌گرایی انتقادی

منطقه‌گرایی انتقادی، شاخه‌ای از معماری است که تلاش می‌کند تا با بی‌مکانی و نبود معنا در معماری مدرن از طریق به‌کارگیری نیروهای مبتنی برای به‌دست‌آوردن معنا و حس مکان مقابله نماید. این اصطلاح نخستین بار توسط الکساندر زونیس و لیان لفور و سپس توسط کنت فرامپتون مطرح شد و برای نشان دادن نوعی معماری معاصر بکار گرفته شد که نه برچسب بین‌المللی دارد و نه مفهوم فولکلوریک و یا مکان و معماری تاریخی. این نگرش با نگرش منطقه‌گرایی که در پی به دست آوردن تناظری یک به یک با معماری بومی است، متفاوت است و شکلی خاص از واکنش پست مدرنیسم در کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آید (دبیا، ۱۳۷۹: ۳۷).

از دیدگاه تئوری انتقادی باید به فرهنگی محلی نه تنها به عنوان چیزی توجه کنیم که نسبتاً تغییر ناپذیر است، بلکه باید به عنوان روندی بدان نگریم که حداقل امروزی بوده و مستعد پرورش است. اساساً تداوم هرگونه فرهنگ واقعی درآینده نهایتاً به ظرفیت ما برای تولید اشکال مهم فرهنگ‌های اصیل محلی بستگی دارد (فرامپتون، ۱۳۹۰: ۱۲۴). بنابراین حصول به منطقه‌گرایی انتقادی، متکی بر بهره‌جویی از ویژگی‌های محلی هم در درون و هم در بیرون شکل‌های ساختمان مدرن است. این امر به معنی بازگشت به ساختمان‌سازی سنتی نیست (فرامپتون، ۱۳۹۰: ۱۲۴). مقصود از "انتقادی" آن است که اثر در ترکیب خود برخوردار از ویژگی‌های نو و سنتی است. در برخی نظریه‌ها، با توجه به زمینه و توجه به تاریخ می‌توانند به شکل معناداری با هم تداخل کنند. کنت فرامپتون، آن نوع از معماری را که در برابر گرایشی مقاومت می‌کند که می‌خواهد تفاوت‌ها فرهنگی را از میان ببرد و یک دستور زبان یکپارچه "معماری جهانی" به وجود آورد، "منطقه‌گرایی انتقادی" می‌خواند (فرامپتون، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

کریستین نوربرگ شولتز در سطح منطقه‌گرایی جدید [انتقادی] بیشتر یک رویکرد خلاق است تا یک رویکرد نوستالژیک (شولتز، ۱۳۹۱: ۵۴). برخی از نظریه‌پردازان از این رویکرد با عنوان «منطقه‌گرایی جدید»، «منطقه‌گرایی اصیل» و ... یاد می‌کنند، که این تفاوت اسامی به معنی تفاوت دیدگاه‌ها نمی‌باشد و تمامی این مفاهیم همان دیدگاه خردگرا و انتقادی به معماری منطقه‌گرایی را دنبال می‌کنند (شولتز، ۱۳۹۱: ۵۴). منطقه‌گرایی انتقادی مطرح شده توسط فرامپتون یکی از رویکردهای معماری در جهت پیوند بین ویژگی‌های بومی منطقه با مفاهیم جهانی است که بر اساس ده اصل زیر توسط کنت فرامپتون مطرح شده است (دبیا، ۱۳۸۶: ۳۷).

جدول ۳- ده اصل منطقه‌گرایی انتقادی مطرح شده توسط فرامپتون، منبع: (دبیا، ۱۳۸۶)

خلاصه	
۱	ناحیه‌گرایی، بوم‌گرایی نیست.
۲	معماری مدرن یک سیاست فرهنگی و کارکردگرایی است.
۳	مفهوم ناحیه: ایجاد مکتب فرهنگ محلی به وسیله مخاطب متعهد است.
۴	رسانه‌ها موجب مخلوط شدن واقعیت با توهم (خیال) و التقاط انگاره‌های ذهن مخاطب شده‌اند.
۵	توسعه مدرن یعنی تکثیر یک حوزه جهانی و خصوصی و بی‌مکان که فاقد حوزه مدنی است. ← (تضاد بین نوع‌شناسی و مکان‌نگاری)
۶	آرکیکتونیک یا تکنولوژی، بایستی نشان دهد که چگونه تخصص با طبیعت نه تنها از جنبه ثقل بلکه از لحاظ پایداری در گذر زمان و تحت تاثیر اقلیم تعامل دارد.
۷	معماری بایستی پاسخگوی تمام نیازهای طبیعت باشد.
۸	معماری باید به وسیله حس‌های دیگری به جز حس بینایی درک شود، که این در تضاد با منطق‌گرایی (خردورزی) است که در دوران رنسانس شروع شد.

الف) سنت گراها
 ب) معتقدین به ادامه مدرن سازی
 پسامدرن ها دو دسته اند: ۱۰

ناحیه گرایی با هر دوی این ها در تناقض است. به این معنا که فرهنگی مخالفتی که از قراردادهای سبک شناختی مرسوم فاصله می‌گیرد (معماری مکان به جای معماری فضا).

بنابراین تئوری راهبردی است که در تحصیل معماری انسانی‌تر درمقابل تجرید های جهانی و کلیشه های بین المللی به زعم فرامپتون، معماران در ساختمان‌هایشان می باید بیشتر به دنبال تنوع های منطقه ای باشند تا طراحی به شیوه یک دست و یک رنگ جهانی که مبتنی است بر فرهنگ برآمده از اشکال و شمایل های مصرف گرا. معماران باید به تلفیق تأثیر تمدن جهانی و درونمایه‌های برآمده از خصوصیات یک مکان ویژه بپردازند. او طرفدار احیای سبک های بزرگ و تاریخی یا تحقیر گونه های ساختمانی بومی نیست. فرامپتون کارهای آلتو و اوتزن، کان و برخی دیگر معماران را نمونه‌هایی از منطقه گرایی انتقادی برشمرد که در آن ها امر محلی و امر جهانی با هم ترکیب شده بودند (نسبیت، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

اصول منطقه گرایی انتقادی

منطقه گرایی انتقادی از گرایشات سبک پست‌مدرنیسم و بعد از رویکردهای زمینه گرایی در راستای توجه بیشتر به بافت و زمینه طرح در سال ۱۹۸۳ توسط کنت فرامپتون در چهارچوب اصولی مطرح گردید. ضرورت چنین نگرشی قبل از فرامپتون توسط زونیس و لفور تا حدودی بیان شده بود. این رویکرد برخلاف پست مدرنیسم ضد تاریخ گرایی و ارجاع مستقیم به معماری گذشته می باشد. بر طبق نظرات کنت فرامپتون، منطقه‌گرایی انتقادی می بایست به صورت انتقادی معماری مدرن را بخاطر کیفیت های پیشرونده جهانی اش به خدمت بگیرد اما همزمان به ویژگی‌های خاص زمینه احترام بگذارد (فرامپتون، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

جدول ۴- اصول منطقه گرایی انتقادی، منبع: نگارندگان

کلباو	کرتیس	فرامپتون	زونیس و لفور
توجه به مکان	ترکیب وجوه مثبت زندگی شهری و روستایی	تعامل تمدن جهانی با فرهنگ‌های منطقه‌ای	رابطه دیالکتیک تمدن جهانی با سنت‌های بومی منطقه
تعامل با طبیعت	توجه به اصول و الگوهای ساختمانی بومی	پرهیز از رویکردهای نوستالژیک و یا صرفاً زیبایی شناختی	پرهیز از جریان‌های واپسگرا و عوام‌فریبانه
توجه به تاریخ	پاسخگویی به شرایط محیطی	طراحی مکان	التزام به مکان
بهره گیری از الگوها، مصالح و شیوه های ساختمانی بوم	بهره گیری از دستاوردهای مثبت مدرن و سنتی	بومی توجه به ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی بستر توجه به الگوهای معماری بومی	بهره گیری از الگوهای
توجه به محدودیت ها		معماری برای تمام حواس توجه به باورهای فرهنگی منطقه	اتخاذ موضع انتقادی

زونیس و لفور، در گفتگویی تحت عنوان- چالش پایان‌ناپذیر منطقه‌گرایی- می‌گویند "سعی بر تأکید ویژگی‌های فرهنگی ما، اصلاح منطقه‌گرایی را بکار می‌گیریم. منطقه گرایی نه مفهومی تازه بود و نه توسط این معماران گفته شد. ما آن را بعد از مدتی به عنوان احترامی برای معمارانی در نظر گرفتیم که در راه سومی سعی در ساختن بناهایی داشتند که از خصوصیات ارزشمند یک منطقه استفاده می کردند (Tzonis & Lefavre, 1981: 25). جنبه انتقادی بر ویژگی های مشترک معماری تأکید داشت که زمان خود را در نظر نمی گرفت. فرامپتون در نظریات خود یکسری اصول کلی را برای معماران ارائه داده است که این اصول به صورت دوتایی و به نوعی متضاد هم می‌باشند که به

نحوی اشاره به جنبه انتقادی بودن رویکرد منطقه‌گرایی انتقادی دارد. نکات و اصول به صورت مختصر بر اساس نظرات فرامپتون در جدول زیر ذکر گردیده است:

جدول ۵- منطقه‌گرایی انتقادی برای تحلیل معماری، منبع: نگارندگان

A Bounded Architecture versus a Free - Standing Object	معماری کراندار به دنبال پیوستگی بین فرم ساخته شده از نظر فیزیکی و ارزش‌های فرهنگی است.
Architectonic versus Scenography	تقلیدهای احساسی و کپی‌برداری از اشکال معماری بومی را به جای تفسیر مجدد چنین فرم‌ها و ترکیبشان با عوامل موثر دیگر را به چالش می‌کشد.
Climate and Local Conditions	نشان می‌دهد که معماری می‌بایست با مکان دیالوگ برقرار کند و به ویژگی‌های کالبدی یک منطقه پاسخ دهد.
The Visual versus the Tactile	محیط اطراف می‌تواند با سایر حواس درک شود؛ تا صرفاً توسط بینایی تنها باشد.

اصول معماری ایرانی

اصول معماری ایرانی را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد: درونگرایی، پرهیز از بیهودگی، مردم‌واری، خودبسندگی، نيارش. **درونگرایی:** اصولاً در ساماندهی اندام‌های گوناگون ساختمان و به ویژه خانه‌های سنتی، باورهای مردم بسیار کارساز بوده است. یکی از باورهای مردم ایران زندگی شخصی و حرمت آن بوده که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درون‌گرا ساخته است. معماران ایرانی با سامان‌دهی اندام‌های ساختمان در گردگرد یک یا چند میان‌سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می‌کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می‌داد. خانه‌های درون‌گرا در اقلیم گرم و خشک، همچون بهشتی در دل کویر هستند، فضای درون‌گرا مانند آغوش گرم بسته است و از هر سو رو به درون دارد (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۳۵).

پرهیز از بیهودگی: در معماری ایرانی تلاش می‌شده کار بیهوده در ساختمان‌سازی نکنند و از اسراف پرهیز می‌کردند. این اصل مهم هم پیش از اسلام و هم پس از آن مراعات می‌شده است. در قرآن آمده مومنان، آنانکه از بیهودگی روی گردانند. اگر در کشورهای دیگر، هنرهای وابسته به معماری مانند نگارگری (نقاشی) و سنگتراشی، پیرایه (آذین) بشمار می‌آمده، در کشور ایران هرگز اینگونه نبوده است. گره‌سازی با گچ و کاشی و خشت و آجر و به گفته خود معماران، آمود و اندود، بیشتر بخشی از کار بنیادی ساختمان است (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۳۴). اگر نیاز باشد در زیر پوشش آسمانه (سقف) پنام (عایق)ی در برابر گرما و سرما ساخته شود یا افزاز بنا که ناگزیر پر و پیمان است و نمی‌تواند به دلخواه معمار کوتاهتر شود، تنها با افزودن کاربردی می‌توان آنرا کوتاهتر و باندام و مردم‌وار کرد. اگر ارسی و روزن با چوب یا گچ و شیشه‌های خرد و رنگین گره‌سازی می‌شود برای این است که در پیش آفتاب تند و گاهی سوزان، پناهی باشد تا چشم را نیازارد و اگر گنبدی از تیزه (معماری ایرانی) تا پاکار با کاشی پوشیده می‌شود تنها برای زیبایی نیست. وانگهی باید واژه زیبا به معنای زینده بودن و تناسب داشتن است و نه قشنگی و جمال (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۳۴).

مردم‌واری: مردم‌واری به معنای رعایت تناسب میان اندام‌های ساختمانی با اندام‌های انسان و توجه به نیازهای او در کار ساختمان‌سازی است و در ایران بیش از هر جای دیگر. در ایران هم مثل مکان‌های دیگر، معماری هنری وابسته به زندگی است. چنانکه در هر زمان روش زندگی بوده که برنامه‌ریزی کار معماری را پی‌ریخته است (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۶).

معمار ایرانی بلندای درگاه را به اندازه بالای مردم می‌گرفته و روزن و روشن‌دان را چنان می‌آراسته که فروغ خورشید و پرتو ماه را به اندازه دلخواه به درون سرا می‌آورد. پهنای اتاق خواب به اندازه یک بستر است و افزاز طاقچه به اندازه‌ای است که نشسته و ایستاده به آسانی در دسترس باشد و از طرفی تالار که مخصوص مهمان است به اندازه‌ای پهن‌وار و باشکوه بوده که شایسته پذیرایی باشد مردم‌واری در اندام (فضا)های ساختمان و اجزا آن چنین نمایان می‌شود که برای نمونه اتاق سه دری که بیشتر برای خوابیدن به کار می‌رود، به اندازه‌ای است که نیاز یک خانواده را برآورده کند. اجزایی چون در و پنجره، تاقچه، رف و نیز بستویی که برای انبار رختخواب بکار می‌رفته اندازه‌هایی مناسبت داشتند (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۷).

روزن بالای پنجره یا گلجام معمولاً دارای شیشه‌های رنگی به رنگ‌های زرد و لیمویی و آبی بوده که این شیشه‌ها را از غرایب‌های شکسته بدست می‌آوردند. برای جلوگیری گرما به درون، از ارسی بهره می‌بردند یا دیوار آسمانه (سقف) را دو پوسته می‌ساختند تا لایه پنام (عایق) جلوگیری

گرما باشد. اگر خوابگاه ایرانی اندازه‌ای خرد و درخور گسترش یک یا دو بستر داشته، در برابرش تالار و سفره خانه ای باشکوه و پهناور بوده است. اگر خوابگاه خرد بوده، از آن خداوند خانه بوده و شایسته نبوده که بیگانه‌ای به آن راه یابد، اما تالار، باید که شایسته پذیرایی مهمان گرامی باشد (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۷).

خودبسندگی: معماران ایرانی تلاش می کردند مصالح مورد نیاز خود را از نزدیک ترین نقاط ممکن به دست آورند و ساختمان ها را چنان می ساختند که نیازمند به مصالح جاهای دیگر نباشد و تنها به خود اکتفا کنند. به این ترتیب کار ساخت و ساز با شتاب بیشتری انجام می شد و ساختمان با طبیعت پیرامون خود سازگارتر بود و هنگام بازسازی و نوسازی نیز همیشه مصالح در دسترس است. معماران ایرانی بر این باور بودند که ساختمانی باید "بوم آورد" یا "ایدری" (اینجایی) باشد. به گفته دیگر فراورده (محصول) همان جایی باشد که ساختمان ساخته می شود و تا آنجا که شدنی است از امکانات محلی بهره گیری شود. برای نمونه در ساخت تخت جمشید، بهترین سنگ را از یک کان (معدن) در نزدیکی دشت مرغاب بدست می آوردند و با ارابه های چوبی به تخت جمشید می رساندند. این سنگ را بیشتر برای روکش دیوارهای ستبر خشتی بکار می بردند. فرآوردن خشت نیز کار بسیار ساده ای بود (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۳۰).

نیارش: واژه نیارش در معماری گذشته ایران بسیار به کار می رفته است. نیارش به دانش ایستایی، فن ساختمان و ساختمانی (مصالح) شناسی گفته می شده است. معماران گذشته به نیارش ساختمان بسیار توجه می کردند و آنرا از زیبایی جدا نمی دانستند. آن ها به تجربه، به اندازه هایی برای پوشش ها و دهانه ها و جرزها دست یافته بودند که همه بر پایه نیارش بدست آمده بود (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۹). «پیمون» اندازه های خرد و یکسانی بود که در هر جا در خور نیازی که بدان بود بکار گرفته می شد (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۹).

یافته ها

جامعه، نمونه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری در این تحقیق مردم منطقه ۱۲، مردم محله فردوسی، لاله زار و جوانان بین رده سنی ۱۵ تا ۲۵ سال؛ در سال ۱۳۹۷ می باشند. کلیه اطلاعاتی که برای محاسبه استفاده گردیده است، براساس پاسخ جامعه آماری ذکر شده می باشد. تعداد نمونه بر اساس تخمین حدودی جامعه آماری (۴۶۰ نفر) و با استفاده از جدول مورگان برابر ۲۱۰ پرسشنامه تعیین شده است.

روش های تجزیه و تحلیل داده ها

در ابتدا برای بررسی نرمالیتت بودن پراکندگی داده ها از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف استفاده و برای تعیین رابطه یا عدم رابطه معنادار فرضیه های تحقیق، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. برای تعیین رابطه فرضیه ها (درون گرایی، نیارش، خودبسندگی، مردم واری، پرهیز از بیهودگی) بعنوان متغیرهای مستقل با منطقه گرایی انتقادی بعنوان متغیر وابسته، از روش معادلات ساختاری PLS استفاده شده است. در نهایت برای رتبه بندی متغیرهای رابطه دار با منطقه گرایی انتقادی در این تحقیق از آزمون فریدمن استفاده می گردد.

آزمون نرمالیتت توزیع نمونه

برای آزمون فرض نرمال بودن متغیرهای تحقیق (درون گرایی، نیارش، خودبسندگی، مردم واری، پرهیز از بیهودگی)، از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول شماره یک ارائه شده است.

جدول ۶- آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

	درون گرایی	نیارش	خود بسندگی	مردم واری	پرهیز از بیهودگی
Kolmogorov-Smirnov Z	۳۶۶۵۵	۳۶.۳۶	۳۶۴۰۷	۳۶۹۲۲	۳۶۶۴۳
Sig.(2-tailed)	۰.۶۰۰۴	۰.۶۰۵۱	۰.۶۰۶۹	۰.۶۰۸۰	۰.۶۰۵۳

با توجه به مقدار سطح معنی داری بیشتر از ۵٪ برای هر یک از متغیرهای تحقیق، فرض نرمال بودن توزیع نمونه رد نگردید.

ضریب همبستگی پیرسون

برای تعیین ضرایب رابطه یا عدم رابطه معنادار متغیرهای مستقل تحقیق با منطقه گرایی انتقادی، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که کلیه متغیرها با راهبردهای فراشناختی دارای رابطه معنی دار در جهت مستقیم بوده و این رابطه با ۹۹٪ اطمینان تأیید می گردد. نتایج آزمون در جدول شماره دو ارائه گردیده است.

جدول ۷- ضرایب همبستگی پیرسون فرضیه‌های مستقل و وابسته، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

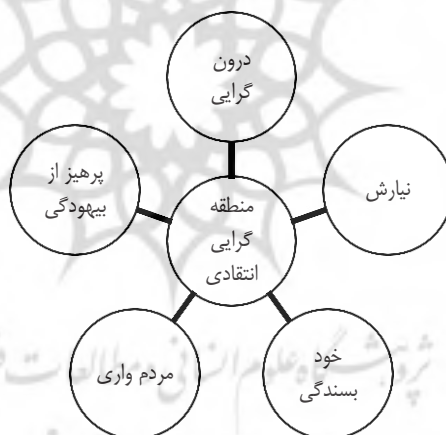
نتیجه آزمون	Sig	ضریب همبستگی
وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۰۶۰۰۳	۰۶۳۶۹۵۸۶
وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۰۶۰۰۱	۰۶۰۱۶۷
وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۰۶۰۰۰	۰۶۳۱۲۳
وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۰۶۰۰۳	۰۶۳۰۶۲۸۸
وجود رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۰۶۰۰۴	۰۶۰۹۲۲۹۷

تحلیل و بررسی یافته‌ها

آنالیز فاکتور برای متغیرهای تحقیق

در این قسمت از روش آنالیز (تحلیل) فاکتور بر مبنای روش جدید و پیشرفته معادلات ساختاری VPLS (حداقل مربعات جزئی) به منظور تحلیل و بررسی ضرایب و رابطه متغیرهای تحقیق، برآورد ضرایب متغیرهای تحقیق و تعیین میزان تأثیرگذاری هر یک از متغیرها بر یکدیگر، استفاده می‌گردد. نمودار گرافیکی زیر خروجی نرم افزار VPLS که محتوای ضرایب متغیرها و معناداری آن‌ها (آماره t) می‌باشد، در شکل شماره یک ارائه گردیده است، در آورده شده است.

مقدار ضریب تعیین ($R = 06984$) می‌باشد و نشان دهنده این است که با تقریب ۸۹٪، تغییرات متغیر وابسته (منطقه‌گرایی انتقادی)، با متغیرهای مستقل (درون‌گرایی، نیارش، خودبسندگی، مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی)، در این تحقیق تبیین و توضیح داده می‌شوند. در جدول شماره سه ضریب تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و همچنین آماره t جهت بررسی معناداری متغیرها درج شده است.



شکل ۱- معادلات ساختاری نرم افزار VPLS، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

جدول ۸- برآورد ضرایب مدل، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

نتیجه	تی - استیوندت	برآورد ضرایب مدل
رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۳۸۸۸	۰۲۶۰
رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۴۰۱۶	۰۱۵۵
رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۳۸۱	۰۲۹۴
رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۴۰۰۶	۰۴۲۸
رابطه معنی دار در جهت مستقیم	۴۶۴۶۰	۰۶۱۸۹

مقدار تی - استیوندت برآورد هر یک از ضرایب مدل از مقدار (۱/۹۶) بیشتر است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت فرضیات تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ بصورت زیر تأیید می‌شود.

- با افزایش یک واحدی درون‌گرایی، منطقه‌گرایی انتقادی به اندازه ۰/۲۶۰ واحد افزایش می‌یابد.

- با افزایش یک واحد نیارش، منطقه گرایبی انتقادی به اندازه ۰/۱۵۵ واحد افزایش می یابد.
- با افزایش یک واحد خودبسندگی، منطقه گرایبی انتقادی به اندازه ۰/۲۹۴ واحد افزایش می یابد.
- با افزایش یک واحد مردم واری، منطقه گرایبی انتقادی به اندازه ۰/۴۲۸ واحد افزایش می یابد.
- با افزایش یک واحد پرهیز از بیهودگی، منطقه گرایبی انتقادی به اندازه ۰/۶۱۸۹ واحد افزایش می یابد.

اولویت بندی موانع منطقه گرایبی انتقادی با استفاده از آزمون فریدمن

جهت رتبه بندی هر یک از موانع توسعه پایدار، از آنالیز واریانس غیرپارامتریک فریدمن استفاده شده است. نتایج رتبه بندی در جدول شماره چهار نشان داده شده است.

جدول ۹- نتایج آزمون رتبه بندی فریدمن، ترسیم: نگارندگان، منبع: نرم افزار SPSS

رتبه	میانگین رتبه ای	درون گرایبی
۱	۴/۷۱	درون گرایبی
۳	۴/۲۷	نیارش
۴	۳/۲۲	خود بسندگی
۵	۳/۱۹	مردم واری
۲	۴/۶۷	پرهیز از بیهودگی

همانطور که مشاهده می گردد ترتیب اولویت موانع منطقه گرایبی انتقادی از رتبه یک به آخر به ترتیب عبارت است از: درون گرایبی، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی، مردم واری.

نتیجه گیری

منطقه گرایبی انتقادی بعنوان رویکردی در اتصال دست آوردهای مدرن و پست مدرن معماری با خصوصیات بومی گرایانه شایع شده است. با توجه به مطالب این مقاله چنین استنباط می شود که هدف از منطقه گرایبی توجه به ویژگی های بستر سایت و محیط بومی آن می باشد. در دوره کنونی، نگرش منطقه گرایبی انتقادی می تواند جنبه های انعطاف پذیر خویش مبنی بر گرایش دیدگاه طراحی ساختمان بر اصول اجتماعی و فرهنگی منطقه را نمایان سازد. این بینش بین زندگی مدرن و ویژگی های اکوسیستمی و زیست محیطی پیوندی مستحکم را به منظور افزایش رضایت استفاده کنندگان از بنا و ساختمان، به ارمغان می آورد.

فرهنگ هر منطقه جزیی از اصالت آن بوده و احترام به فرهنگ ها در یک فضای تساهل و تبادل متعادل می تواند کمک شایانی به پایداری توسعه، اقتصاد و معماری نماید. اصالت آثار معماری بازتابی از ارزش های ملی و پیشینه تاریخی آن منطقه است.

همانگونه که ساخت بناهای جدید به سبک معماری پیشینیان می تواند بازنده سازی آثار تاریخی قلمداد گردد، همانگونه هم ساخت آثار مدرن و پست مدرن در جوامعی با سابقه تاریخی و پیشینه فرهنگی کهن، می تواند پیش سازی قرون آتی قلمداد گردد. از این رو معماری به سبک و سیاق منطقه گرایبی انتقادی می تواند پلی میان سنت و مدرنیته در معماری قلمداد گردد.

در این مقاله تلاش گردید با استفاده از بررسی و آزمون رابطه یا عدم رابطه معنادار متغیرهای مستقل اصول معماری ایران (درون گرایبی، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی، مردم واری) مورد نظر مقاله، منطقه گرایبی انتقادی مورد آزمون استقلال یا وابستگی قرار گیرد. از دیگر هدف های این مقاله رتبه بندی متغیرهای اصول معماری ایران در راستای توجه به رویکرد منطقه گرایبی انتقادی با توجه به داده های قابل دسترس بود.

این مقاله به هدف خود دست پیدا کرد و موجب گردید که طراحان و معماران در جهت رسیدن به اهداف خود که طراحی بناهایی با رویکرد منطقه گرایبی انتقادی است از اصول معماری ایران و منطقه گرایبی تحت اولویت رتبه بندی شده، استفاده کنند. که میزان و تأثیر و نقش هر یک از اصول در جهت نیل به این هدف مشخص گردید و بیشترین تأثیر را خودبسندگی و درونگرایی و کمترین تأثیر را نیارش و فن ساخت داشت که می توان این نتیجه ی مهم را گرفت که سازه و تکنولوژی و روش های نوین ساخت کمترین تأثیر و مانع را در نیل به هدف منطقه گرایبی دارد و بدان معناست که می توان اصول معماری و اصالت معماری را با به روز ترین تکنولوژی ارائه کرد بدون اینکه از اصول منطقه گرایبی خارج شد. و این همان حفظ اصالت و فرهنگ زمینه با بیان جهانی و مدرن است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Critical Regionalism
 ۲. International Style
 ۳. SPSS نام یک نرم افزار آماری است که برای تجزیه و تحلیل آماری، خصوصا تحلیل نتایج پرسشنامه‌های تحقیقات میدانی و همچنین آزمون فرضیات تحقیق و پایان‌نامه‌ها استفاده می‌شود.
 ۴. Post Modernism
 ۵. Symposium
 ۶. Henry Russell Hitchcock
 ۷. Modern
۸. منطقه
 ۹. Lewis Mumford
 ۱۰. فولکلور یا باور عامیانه را می‌توان مجموعه‌ای شامل افسانه‌ها، داستان‌ها، موسیقی، تاریخ شفاهی، ضرب‌المثل‌ها، هزلیات، باورهای عامه، رسوم دانست. فولکلور از دو کلمه انگلیسی فولک به معنی توده و لور به معنی دانش تشکیل شده است.
 ۱۱. Globalization در زبان انگلیسی برگرفته از واژه Global به معنی یکپارچه، سراسری و جهانی است.

فهرست منابع

۱. ابل، ک. (۲۰۰۸). معماری و هویت، ترجمه فرح حبیب. نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. تهران، چاپ اول.
۲. اقدامی، الف.، و قاسمی، م. (۱۳۹۶). طراحی مجتمع تجاری، فرهنگی با محوریت معماری زمینه‌گرا نمونه موردی در بافت سنتی کرمان. پنجمین کنگره علمی پژوهشی افق‌های نوین در حوزه مهندسی عمران، معماری، فرهنگ و مدیریت شهری ایران، صفحات ۶۷-۶۰.
۳. بایزیدی، ق.، و اعتصام، الف.، و حبیب، ف.، و مختاباد امرئی، م. (۱۳۹۲). جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و سیر تحول آن‌ها در معماری معاصر. نقش جهان، صفحات ۷-۱۸.
۴. پیرنیا، م. (۱۳۸۳). سبک‌شناسی معماری ایرانی. انتشارات سروش دانش، تهران، چاپ بیستم.
۵. تولایی، ن. (۱۳۸۰). زمینه‌گرایی در شهرسازی. مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا. دانشگاه تهران، شماره ۱۰، صفحات ۲۱-۱۳.
۶. جودت، م. (۱۳۸۱). ریشه‌های معماری مدرن، منطقه‌گرایی جدید. فصلنامه معماری ایران (ما). دوره سوم؛ شماره ۹، صفحات ۱۰۴-۸۲.
۷. حسینی، الف. (۱۳۹۰). تبیین و تدوین گرایش‌های معماری معاصر ایران با مطالعه معماری شهر تهران. مجله هویت شهر. شماره ۸، صفحات ۲۶-۱۷.
۸. حسین زاده دلیر، ح. (۱۳۸۹). برنامه ریزی ناحیه ای. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ نهم، تهران.
۹. دیباید، د. (۱۳۷۹). گفتگو کنت فرامپتون/اداراب دیبا. مجله معماری و شهرسازی. صفحات ۶۰-۶۱.
۱۰. فروتن، م.، و دژدار، الف.، و دانا، م. (۱۳۹۲). بررسی تعامل معماری و بستر فرهنگی با رویکرد منطقه‌گرایی انتقادی. کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری، صفحات ۳۸-۲۲.
۱۱. قبادیان، و. (۱۳۹۰). مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب. دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، چاپ بیست و پنجم.
۱۲. کامل‌نیا، ح.، و شایان، ح. (۱۳۸۷). منطقه‌گرایی و چالش‌های معماری معاصر در آغاز هزاره سوم. نشریه معماری و شهرسازی، شماره ۹۰-۹۱، صفحات ۱۵-۱۰.
۱۳. کشاورز، ف.، و کمالی‌نژاد، ر.، و صافی، م. (۱۳۹۴). الهام گرفتن از معماری ایرانی. کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی. شماره ۶ صفحات ۵۶-۴۵.
۱۴. گروتز، ی. (۱۳۷۵). زیبایی‌شناختی در معماری. مترجم: جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. نشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ اول.
۱۵. سراج‌الدین، ا. (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر منطقه‌گرایی در معماری مساجد. ترجمه سعید نوری‌نشاط، فصلنامه هنر، شماره ۳۳، صفحات ۶۳-۵۴.
۱۶. شایان، ح.، و عینی‌فر، ع.، و دیبا، د. (۲۰۰۸). معماری در زمینه‌ی بیگانه تحلیل نظریه‌ی منطقه‌گرایی تعاملی در تجارب دهه‌های ۶۰ تا ۹۰ میلادی معماران غیر بومی در کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس. پایان‌نامه دکتری معماری، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۳۸، صفحات ۶۰-۴۹.
۱۷. شولتز، ک. ن. (۲۰۰۷). گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، نشر جان جهان، تهران، چاپ اول.
۱۸. شولتز، ک. ن. (۲۰۰۷). ریشه‌های معماری مدرن. ترجمه محمدرضا جودت، انتشارات شهیدی، تهران، چاپ سوم.

۱۹. لنگ، ج. (۱۳۹۰). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). مترجم علیرضا عینی فر. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ هشتم.
۲۰. مهدوی نژاد، م. ج. و محمدعلی خبری و عسکری مقدم، ر. (۱۳۸۹). هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن. نشریه هویت شهر، شماره ۱، صفحات ۱۲۲-۱۱۳.
۲۱. میرمقتدایی، م. (۱۳۸۳). معیارهای شناخت شهرها و ارزیابی هویت کالبدی. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صفحات ۲۲-۱۷.
۲۲. نسبیت، ک. (۲۰۰۱). نظریه های پسامدرن در معماری. ترجمه محمدرضا شیرازی، نشر نی، تهران، چاپ هشتم.
۲۳. ویتروویوس. (۱۳۹۱). ده کتاب معماری. ترجمه ریما فیاض، دانشگاه هنر، تهران، چاپ اول.
۲۴. هلد، د. مک گرو، آ. (۱۳۸۲). جهانی شدن و مخالفان آن. ترجمه عرفان ثابتی، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ اول.
25. Berger, P. Thomas, L. (3885). *The Social Construction of Reality*, Harmondworht, Penguin.
26. Curtis, W. J. R. (1986). *Toward an authentic architecture*, In: *MIMAR: architecture in Development*, 19:24-31.
27. Curtis, W. J. R. (1996). *Modern architecture since 1900*, London/New York, Phaidon Press Limited Inc.
28. Frampton, K. (1981). *Towards a Critical Regionalism: Six Points for an Architecture of Resistance*, In: Foster, H. (Ed.), *The Anti Aesthetic Essays on Postmodern Culture*, London, Pluto Press.
29. Frampton, K. (1987). *Ten Points on an Architecture of Regionalism: A Provisional Polemic*, Austin: Texas, University of Texas press.
30. Heidegger, M. (1971). *Building, dwelling, thinking*. In: *Poetry, language, thought* New York, Harper Colophon.
31. Hurrell, A. (1995). "Regionalism in Theoretical Perspective", in Louis Fawcett and Andrew Hurrell, eds., *Regionalism in World Politics: Regional Organization and International Order*, Oxford and New York, Oxford University Press.
32. Kelbaugh, D. (1986). *Towards an Architecture of Place*, Arcade.
33. Kostof, S. (1995). *A History of Architecture Settings and Rituals*, New York, NY: Oxford University Press, pp. 19.
34. Miller, D. (2002). *The regional governing of metropolitan America*, West View Press.
35. Lawrence, R.Z. (2003). *Regionalism, Multilateralism and Deeper Integration: Changing Paradigms for Developing Countries*, in C. Roe Goddard, P. Cronin and K. Dash, eds., *International Political Economy: State -Market Relations in a Changing Global Order*, Basingstoke: Palgrave.
36. Ozkan, S. (1985). *Introduction - Regionalism within Modernism*. In *Regionalism in Architecture*, edited by Robert Powell. Singapore: Concept Media/The Aga Khan Award for Architecture 8-16
37. Palmer, Norman, D. (1991). *The New Regionalism in Asia and the Pacific*, Lexington: Lexington Books.
38. Reocour, P. (1965), *Universal civilizations and national culture*". In: *History and truth*, Evanston, Northwestern university press.
39. Tzonis, A., & Lefaivre, L. (1981) *The Grid and the Pathway: An introduction to the work of Dimitris and Suzana Antonakakis*, *Architecture in Greece*, 15:164.
40. Tzonis, A., & Lefaivre, L. (1990). *Why Critical Regionalism Today?*, *Architecture and Urbanism (A+U) Journal*, 236(May) :22-33.